

یادداشت

بهترین زمان برای ترمیم مزد کارگران

ناصر چمنی،نایب رئیس کانون عالی انجمن های صنفی کارگران

مسلم است که در شرایط فعلی، مشکلات و مسائل جامعه کارگری باسیاست های بهزیستی و کمیته امداد اداره شدنی نیست و به آگاهی کامل از قانون کار و مسائل مربوط به روابط کار نیاز دارد. لذا دولت باید وزیری به مجلس معرفی کند که تنها به مباحث حوزه رفاه و بهزیستی ورود نکند بلکه کاملا از مسائل جامعه کارگری و مشکلات آن آگاه باشد و در یک کلام اشراف کاملی به حوزه تعاونی، کار و رفاه داشته باشد. برای بهبود معیشت کارگران و افزایش قدرت خرید آنها، گزینه های فراوانی هست ولی باید اراده ای برای عملی کردن این گزینه ها وجود داشته باشد. اولین گزینه معافیت مالیاتی کارگران است.اگر دولت یا کارفرمایان تمایلی به دادن سبد کالا به کارگران ندارند، می توانند جامعه کارگری را از پرداخت مالیات معاف کنند.اقدام دوم اختصاص سبد کالا یب خواربار است که در طول سال دست کم باید سه تا چهار مرحله توزیع شود تااز فشار افزایش هزینه های خوارهای کارگری اندکی کاسته شود. باید دانست حقوق و دستمزد کارگران، طی سال های جنگ افزایشی نداشت واز این رو کارگران با عقب افتادگی مزدی مواجه شدند. دولت ها هم به رغم شعارهایی که برای حمایت از کارگران دادند، به وعده های خود عمل نکردند و متاسفانه قشر کارگری ضعیف و عقب مانده تر شد. نمایندگان کارگران در شورای عالی کار نیزضعیفان چون دولت کارفرمای بزرگ است و کارفرمایان هم از دولت تبعیت می کنند. در حالی که کارگران نیروی کار کارفرمایان هستند و باید از آنها حمایت شود ولی می بینیم که به شدت با افزایش حقوق یا افزایش بن خواربار مخالفت می شود و طبیعی است که تلاش نمایندگان کارگری به جایی نمی رسد، در صورتی که شورای عالی کار باید سه جانبه باشد و هر نوع تصمیمی با نظر همه شرکا گرفته شود. اگر دولت مصمم است به کارگران کوپن بدهد، شاید با وضعیتی که اکنون وجود دارد، به ۵۰ درصد جامعه کارگری هم نرسد و صد درصد توزیع آن به مشکل بخوریم، ضمن آنکه ۴۰ هزار تومانی که بابت هر فرد در نظر گرفته شده، رقمی نیست که بتوان با آن مایحتاج ضروری را تامین کرد ولی قانون کار بحث بن خواربار را مشخص کرده است که اگر افزایش یابد و کارفرمایان مکلف به پرداخت آن شوند، همه کارگران از آن بهره مندمی شوند و به ارتقای معیشت خانوار های کارگری کمک می شود. در پایان باید گفت در شرایطی که دلار افزایش بی سابقه ای را تجربه می کند و ۹۰ درصد قدرت خرید کارگران کاهش یافته و تورم در حال افزایش است، باید مزد را بالا ببریم. در دولت گذشته که قانون هدفمندی اجرامی شد، نرخ تورم را پیش بینی و برای کنترل آن دستمزد کارگران را زیر ۱۰ درصد اعلام کردند ولی چه اتفاقی افتاد؟ شاهد تورم ۲۵۰ درصدی بودیم. پس این تصور که بالا رفتن دستمزد باعث تورم می شود، قابل قبول نیست چرا که تورم به شکل خود کار بالا می رود اما امروز بهترین زمان برای ترمیم مزد کارگران است چون تولید کنندگان هم قیمت محصولاتشان را بالا برده اند. وقتی تولید کننده سود می کند، چرا حقوق کارگران و کارمندان باید همچنان پایین بماند و روز به روز ضعیف تر شوند و قادر به ادامه زندگی نباشند؟

خبر

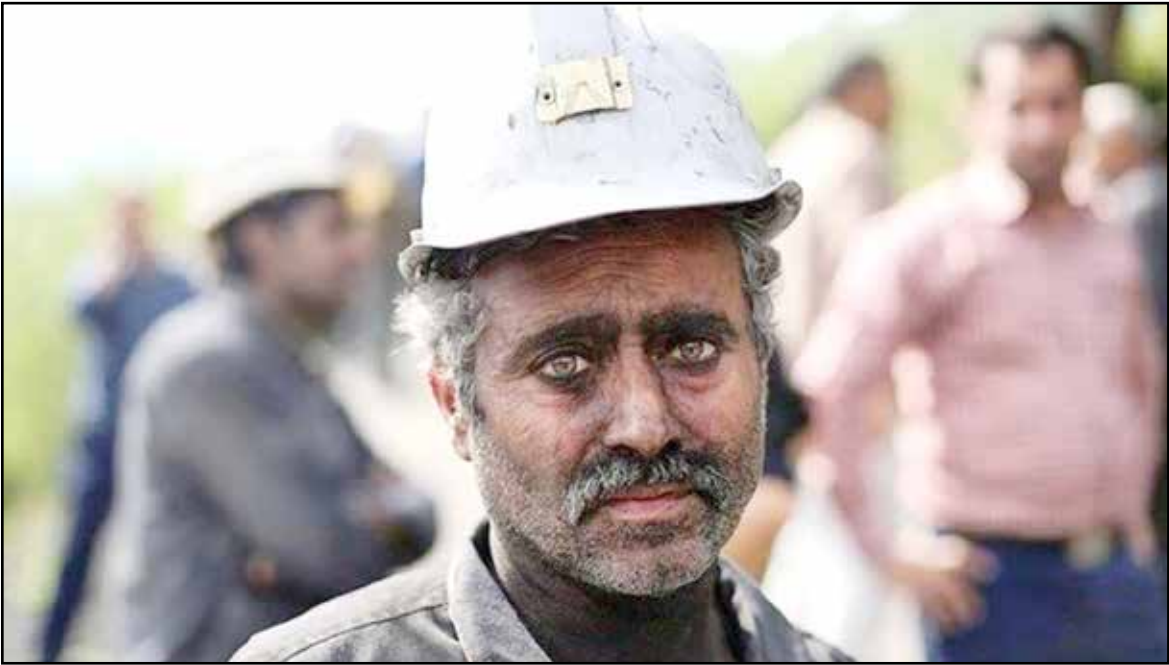
بندی:

در کنار اشتغالزایی باید از مشاغل موجود هم صیانت کنیم

سرپرست وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی بر لزوم صیانت از مشاغل موجود در کنار بحث اشتغالزایی تاکید کرد. به گزارش ایسنا، انوشیروان محسنی بندپی در جلسه پنج شنبه شب کارگروه اشتغال استان کرمانشاه با اشاره به افزایش سه میلیون نفری جمعیت فعال کشور در سال های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۶ گفت: بر اساس آمار مرکز پژوهش های مجلس، از پاییز ۱۳۹۳ تا اسفند سال گذشته سه میلیون نفر به جمعیت فعال کشور اضافه شده که بی سابقه است. وی افزود: همچنین طی این مدت بر اساس آمار اعلام شده ۲.۷ میلیون شغل ایجاد شده که این میزان اشتغالزایی هم بی سابقه است. بندپی با اشاره به فارغ التحصیل شدن سالانه ۵۰۰ هزار دانشجو در ایران گفت: با وجود این آمار می طلبد که نگاه همه جانبه تری به بحث اشتغال فارغ التحصیلان دانشگاهی داشته باشیم و یی در کنار اشتغالزایی و ایجاد شغل بر صیانت از مشاغل موجود هم تاکید کرد و افزود: باید در کنار بحث اشتغال برای صیانت از مشاغل موجود چاره اندیشی شود و این طور نباشد که از یک طرف یک میلیون شغل ایجاد کنیم و از طرف دیگر ۵۰۰ هزار نفر بیکار شوند.

آب پاکی سرپرست وزارت کار روی دست کارگران

امیدی به دولت و سیاست های اقتصادی پاندولی نیست



نسرین هزاره مقدم

محاسبات گروه کارگری شورای عالی کار نشان می دهد که در هفته اول مهر ماه سال جاری، قدرت خرید کارگران نسبت به ابتدای سال ۹۰ درصد کاهش یافته است. این درحالیست که به رغم درخواست کارگران، وزارت کار حاضر نیست جلسه شورای عالی کار را برگزار کند و سرپرست وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تاکید می کند که در شرایط فعلی برای جبران افزایش قیمت ها، حمایت های اجتماعی در اولویت قرار دارد و بحث افزایش حقوق کارگران اصلا مطرح نیست.

اوضاع امروز اقتصاد را شاید بتوان این گونه توصیف کرد: صبح پایین می آید و عصر دوباره بالا می رود. «قیمت ارز» اصلا حساب و کتاب ندارد. با هر سقوط، خیلی ها از جمله کم درآمدها خوشحال می شوند که شاید فردا صبح بتوانند رب گوجه فرنگی، نان و گوشت را با قیمت ارزان تهیه کنند اما باز ناگهان امیدها نقش بر آب می شود. دوباره خبر می رسد که نرخ دلار وارز در صرافی های خیابان فردوسی بالا رفته است. در هر حال، از این بالا و پایین رفتن ها که بیشتر هم بالایی رود تا پایین، آبی برای کارگران و دستمزد بگیران گرم نمی شود. همچنان قیمت ها به نسبت فروردین ماه، چند برابر افزایش نشان می دهند.

این بیم و امیدها در حالی ادامه دارد که به گفته فرامرز توفیقی، رئیس کمیته مزد کانون عالی شوراها، تا ششم مهر ماه، دستمزد کارگران ۹۰ درصد قدرت خرید خود را از دست داده است. به معنای دقیق تر اگر قدرت خرید مزد کارگران را در ششم مهر ۹۷ با همین مولفه در پایان اسفند ۹۶ مقایسه کنیم، کاهش ۹۰ درصدی نمودار می شود، اهش که به نظر نمی رسد حتی اگر «معجزه های» رخ بدهد و کاهش قیمت دلار برای یک

مدت قابل قبول، پایدار بماند تا چند ماه آینده جبران شود.

عدم توان پیش بینی بازار فقط به نفع عده ای معدود است

فرامرز توفیقی در این رابطه می گوید: فرض محال بگیریم که قیمت دلار کاهش هم پیدا کند. در آن شرایط مطالبه اجتماعی باید این باشد که سطح عمومی قیمت ها با همان سرعتی که رشد کرده، کاهش یابد ولی آیا افرادی که لحظه به لحظه قیمت دلار را چک می کردند و قیمت های پیشنهادی را لحظه به لحظه هماهنگ با افزایش قیمت ارز افزایش می دادند، حالا با کاهش نرخها قیمت ها را کاهش داد؟ در صورت تثبیت کاهش نرخ ارز که البته در شرایط فعلی به هیچ وجه امکان پذیر نیست، چقدر زمان نیاز است برای کاهش قیمت ها؟ آیا واقعا فروشنده های کاهش نرخ رضایت می دهند؟ وارد کننده های که با نرخ های بالاتر کالا وارد کرده با چه نرخی باید کالا را بفروش برساند؟ صادر کننده های که با هزینه های افزایش یافته، کالا را صادر کرده با چه نرخی باید ارز را به بازار عرضه کند؟

او نتیجه گیری می کند: در کل عدم توان پیش بینی بازار و نوسان های غیرمنتظره، بسیار زیان بار و فقط به نفع عده ای معدود است؛ دلالاتی که دیروز از شما دلارهایتان را به نرخ ۸ هزار تومان خریده اند و امروز ۱۵ هزار تومان به خلق الله می فروشند.

به «اقتصاد پاندولی» نمی توان امید بست

به نظر می رسد به این «اقتصاد پاندولی» نمی توان امیدی بست و این کاهش قدرت خرید مزد یا بی ارزش شدن دستمزد نیروی کار، حالا حالاها ماندگار است. ولی متاسفانه دولتی ها این معضل اساسی را نادیده می گیرند و حاضر نیستند به رغم پافشاری های

مکرر کارگران و تشکل های کارگری، همان ۸۰۰ هزار تومان مصوب کمیته دستمزد را به مزد یک میلیون و ۴۰۰ هزار تومانی کارگران اضافه کنند، ۸۰۰ هزار تومانی که کسی نمی تواند ادعا کند برای حل مشکلات معیشتی کارگران در این روزگار گرانی ها، کفایت می کند. این مطالبه اجتماعی باید این باشد که سطح مطالبه می کنند باید حداقل ۷ میلیون تومان در آمد داشته باشی تا مورات در حداقل قبولی بگذرد.

حتی فرهنگ را «کالایی» کرده اند

بهرام حسینی نژاد، فعال کارگری مستقل و دبیر سابق انجمن صنفی کارگران معدن چادرملو در رابطه با شرایط معیشتی فعلی کارگران می گوید: ۸۰۰ هزار تومانی که تغل می کنند حاضر نیستند حتی پرداخت غیر نقدی آن را تایید کنند، به هیچ وجه برای جبران کمبودهای معیشتی کارگران کافی نیست. مهم ترین مساله «کالایی شدن نیازهای ضروری مردم و کارگران» است. وقتی بهداشت، آموزش و حتی فرهنگ را «کالایی» کرده اند، دیگر چگونه می شود از حیات شرافتمندانه طبقه کارگر صحبت کرد؟ اینها همه چیز را «کالایی» کرده اند، حالا شما توقع دارید جلسه شورای عالی کار را به همین راحتی بر گزار کنند و به همین راحتی مزد کارگران ۸۰۰ هزار تومان بالا ببرند؟!

او معتقد است: بخش عمده ای از مشکلات اقتصادی ماناشی از سیاست های کلان دولت است، نه بحث تحریم و مناسبات خارجی. به اعتقاد حسینی نژاد «تداوم خصوصی سازی ها» و سیاست های دست راستی، بنیه اقتصاد را تا حدی ضعیف کرده که هر تلنگر کوچکی، آن را از پا می اندازد. او بر این باور است که «فقیر سازی» و «ارزان سازی» نیروی کار، چه کارگر و چه معلم و چه پرستار، سیاست اصلی

به این «اقتصاد پاندولی» نمی توان امیدی بست و این کاهش قدرت خرید مزد یا بی ارزش شدن دستمزد نیروی کار، حالا حالاها ماندگار است ولی متاسفانه دولتی ها این معضل اساسی را نادیده می گیرند و حاضر نیستند همان ۸۰۰ هزار تومان مصوب کمیته دستمزد را به مزد کارگران اضافه کنند

دولت ها در دهه های گذشته بوده است. وی می گوید: آنچه ما می بینیم فقط یک روی سکه است. باید رفت و پیدا کرد که پشت این ظاهر امر چه می گذرد که زندگی ما به این روز افتاده است! جان انداختن «نظام صدقه گیری» به جای «حقوق حق» کارگران ما از روی سکه خبر نداریم، یعنی و کارگران» است. وقتی بهداشت، آموزش و حتی فرهنگ را «کالایی» کرده اند، دیگر چگونه می شود از حیات شرافتمندانه طبقه کارگر صحبت کرد؟ اینها همه چیز را «کالایی» کرده اند، حالا شما توقع دارید جلسه شورای عالی کار را به همین راحتی بر گزار کنند و به همین راحتی مزد کارگران ۸۰۰ هزار تومان بالا ببرند؟!

او معتقد است: بخش عمده ای از مشکلات اقتصادی ماناشی از سیاست های کلان دولت است، نه بحث تحریم و مناسبات خارجی. به اعتقاد حسینی نژاد «تداوم خصوصی سازی ها» و سیاست های دست راستی، بنیه اقتصاد را تا حدی ضعیف کرده که هر تلنگر کوچکی، آن را از پا می اندازد. او بر این باور است که «فقیر سازی» و «ارزان سازی» نیروی کار، چه کارگر و چه معلم و چه پرستار، سیاست اصلی

حال سوال این است که چرا

می خواهند «نظام صدقه گیری» را به جای «حقوق حق» به طبقه کارگر قالب کنند؟

استدلالات تاریخی کارفرمایان رده شده است

فرامرز توفیقی با اشاره به «اینرسی» جامعه کارفرمایی ایران برای افزایش دستمزد در همه سال های گذشته گفت: کارفرمایان همواره ادعا می کردند که افزایش دستمزد، «ثرات توری» دارد. این چند ماه اخیر به همه ثابت شد که در اقتصاد ایران، این دستمزد نیست که تورم ایجاد می کند بلکه «ثرات توری» را باید در جاهای دیگری جست و جو کرد یعنی استدلالات تاریخی کارفرمایان کاملارد شده است و نمی توانند بگویند دستمزد داشت که تولید را به مخاطره می اندازد.

او به افزایش نامعقول قیمت ها در هفته های گذشته اشاره می کند و می گوید: همین رب گوجه فرنگی را در نظر بگیرید. همین قلم فرعی سید در ۱۰ روز گذشته، ۱۴۰ درصد افزایش قیمت داشته است. بعید می دانم کارخانه تولید کنندهای باشد که مواد بسته بندی را جدید خریده باشد و به این دلیل، قیمت رب را افزایش داده باشد. همه از قدیم مواد اولیه داشته اند اما چون کنترل و نظارت سی بر تولید نیست، قیمت های این شکل بالا می رود و این یعنی «ثرات توری» بی قانونی و عدم نظارت. پس دولت و کارفرمایان بیایند در بیاورند که تورم از کجا نشات می گیرد و ببوهود با افزایش دستمزد مخالف نکنند.

اوبه قیمت های ارقام سبد معیشت در بانک مرکزی اشاره می کند و می گوید: گروه کارگری شورای عالی کار، بااستناد به قیمت های بانک مرکزی و مرکز آمار و همچنین نرخ های بازار، قیمت سبد را هر ماه به روز می کند ولی دولت حاضر نیست به این محاسبات تمکین کند. جالب اینجاست که از نوزدهم شهریور که آخرین جلسه کمیته دستمزد بود تا امروز که ۱۲-۱۳ روز از مهر ماه گذشته، بیش از ۲۰ درصد قدرت خرید کارگر از دست رفته است. در چنین شرایطی بطور به خودشان اجازه می دهند از برگزاری شورای عالی کار اجتناب کنند؟

توفیقی به موضوع دیگری نیز اشاره می کند: در حال حاضر در دو وزارتخانه عضو شورای عالی کار، به جای وزیر «سرپرست» داریم و شاید همین امر، یکی از دلایل عدم برگزاری جلسه شورای عالی کار باشد. نتیجه می گیریم مجلس «به اشتباه» به اسم دفاع از کارگر و به بهانه بهبود شرایط کار، با استیضاح وزیر کار، معضلی به معضلات بی شمار کارگران اضافه کرد. الان یک بی نظمی تمام عیار در وزارت کار حاکم است که دودش در چشم کارگرمی رود....

برای برگزاری جلسات شورای عالی کار و لزوم ترمیم دستمزد می توان به

کسی نمی تواند ادعا کند برای حل مشکلات

معیشتی کارگران در این روزگار گرانی ها، ۸۰۰ هزار تومان هم کفایت می کند.

این روز ها همان طور که تشکل های کارگری مطالبه می کنند باید حداقل ۷ میلیون تومان در آمد داشته باشی تا مامورت در حداقل قبولی بگذرد

سه ماده قانونی استناد کرد: مواد ۴۱، ۱۶۷ و ۱۶۸ قانون کار. ماده ۴۱ می گوید مزد کارگر باید «همه ساله» به گونه ای افزایش یابد که با معیارهای تورم و نرخ سبد معیشت همخوانی داشته باشد. در هیچ کجای این ماده قانونی نیامده «فقط سالی یک بار». ماده ۱۶۷ نیز تصمیم گیری در مورد دستمزد را برعهده «شورای عالی کار» گذاشته و ماده ۱۶۸ نیز به صراحت می گوید شورای عالی کار باید «ماهیه یک بار» تشکیل جلسه بدهد. در همین ماده قانونی آمده در صورت ضرورت، جلسات فوق العاده به دعوت رئیس یا تقاضای سه نفر از اعضای شورا تشکیل می شود. عملکرد وزارت کار در یکی، دو ماه گذشته در تضاد کامل با الزاماتی است که در همین سه ماده قانون به صراحت آمده است.

سبد معیشت ۴ میلیون و ۸۰۰ هزار تومانی دستمزد یک میلیون و ۴۰۰ هزار تومانی

دو هفته پیش از این، سه عضو کارگری شورای عالی کار، درخواست کتبی خود را برای برگزاری جلسه به سرپرست وزارت کار ارائه داده اند. نزدیک به یک ماه از برگزاری آخرین جلسه کمیته دستمزد می گذرد. در این مدت، تشکل های کارگری بارها بیانیه داده اند و درخواست خود را برای برگزاری جلسه شورای عالی کار مطرح کرده اند اما سوال اصلی این است که وزارت کار تا کجای خواهد از قانون سربچی کند؟ اما اگر برگزار نشود چطور؟ آیا راهکاری برای مطالبه گری هست؟ بهرام حسینی نژاد معتقد است از آنجا که «نگذاشته اند» تشکل یایی مستقل صورت بگیرد، کارگران توان چانه زنی قوی و فشار جمعی چندانی ندارند و نمی توانند یک صدا و مقتدر مقابل دولتی ها بایستند، اما فرامرز توفیقی در پاسخ به این سوال می گوید: از همه ابزار قانونی و مدنی برای پیگیری مطالبه قانونی مان استفاده خواهیم کرد. سبد معیشت ۴ میلیون و ۸۰۰ هزار تومانی کجا، دستمزد یک میلیون و ۴۰۰ هزار تومانی کجا؟ بسا این شرایط، دیگر خانواده ای باقی نمی ماند. نمی توان ساکت ماند و نباید ساکت ماند!

